



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

نمونه سوال  گام به گام

امتحان نهایی  جزوه

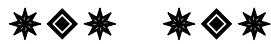
دانلود آزمون های آزمایشی 

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

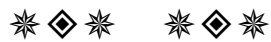
www.tafrihicenter.ir

" متن و ترجمه " درس ۳ عربی زبان قرآن (۱) انسانی



﴿ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ ... ﴾ ٤٨

خدا همان کسی است که بادهای را می فرستد و ابری را برمی انگیزد و آن را در آسمان می گسترد.



الدَّرْسُ الثَّالِثُ : درس سوم ص ۲۴

مَطَرُ السَّمَكِ : باران ماهی

هل تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَساقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟! آیا باور می کنی که در روزی از روزها ماهی هایی را ببینی که از آسمان می افتند (می ریزند) ؟

إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلَجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِي : مسلماً بارش باران و برف از آسمان چیزی (امری) طبیعی است.

و لَكِنْ أَيْمِكُنْ أَنْ تَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! و اما آیا امکان دارد (ممکن است) که باران ماهی را ببینیم ؟

هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟! آیا گمان می کنی که آن باران حقیقت باشد. و فیلمی خیالی نیست؟ حَسَنًا فَإِنْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ : بسیار خوب ، پس به این عکس ها (تصویرها) نگاه کن تا باور کنی.

أَنْظُرْ بِدَقَّةٍ ؛ أَنْتَ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ مَطَرٌ أَسْمَاكَ. : به دقت نگاه کن . تو افتادن ماهی ها را از آسمان می بینی ، گویا (مثل اینکه) آسمان ماهی هایی می بارد.

يُسَمَّى النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ « مَطَرُ السَّمَكِ » : مردم این پدیده طبیعی را « باران ماهی » می نامند .

حَبِرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا : این پدیده ، مردم را سال های طولانی شگفت زده (متحیر - حیران) کرد و برای آن پاسخی نیافتند (پیدا نکردند) .

يَحْدُثُ « مَطَرُ السَّمَكِ » سَنَوِيًّا فِي جُمهُورِيَّةِ الْهُندُوْرَاسِ فِي أَمْرِيكَا الْوُسْطَى : « باران ماهی » هر ساله (سالانه) در جمهوری هندوراس در امریکای مرکزی اتفاق می افتد.

تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحيانًا : این پدیده ، گاهی (احياناً) دو بار در سال اتفاق می افتد.

فَيَلَاحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَ رَعْدًا وَ بَرْقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ : و مردم ابر سیاه بزرگی به و رعد و برق و بادهایی قوی و بارانی شدید را به مدت دو ساعت یا بیشتر ملاحظه می کنند.

ثُمَّ تَصْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ : سپس زمین پوشیده از ماهی ها می شود .

فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لَطَبْخِهَا وَ تَنَاوُلِهَا : و مردم آنها را برای پختن و خوردن شان بر می دارند (می برند)

حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ : دانشمندان برای شناخت راز آن پدیده عجیب تلاش کردند.

فَأَرْسَلُوا قَرِيقًا لَزِيَارَةِ الْمَكَانِ وَ التَّعَرَّفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ : و تیمی را برای دیدن آن مکان و شناختن ماهی هایی که بعد از این باران های شدید روی زمین می افتند فرستادند.

فَوَجَدُوا أَنَّ جَمِيعَ الْأَسْمَاكِ الْمُنْتَشِرَةِ عَلَى الْأَرْضِ بِحَجْمٍ وَاحِدٍ وَنَوْعٍ وَاحِدٍ : و دریافتند که بیشتر ماهی ها ی پخش (پراکنده) شده بر روی زمین از یک نوع هستند .

و لَكِنَّ الْغَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أَنَّ الْأَسْمَاكَ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ : و اما عجیب در مساله ، آن است (شگفت این است) که ماهی ها متعلق به آب های مجاور (کناری) نیستند .

بَلْ مِيَاهِ الْمَحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً مِائَتَيْ كِيلُومِترٍ عَنْ مَحَلِّ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ : بلکه متعلق به آب های اقیانوس اطلس هستند که مسافت (به اندازه) ۲۰۰ کیلومتر از محل افتادن ماهی ها دور هستند .

ما هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ ؟ علت تشکیل این پدیده چیست ؟

يَحْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ : گردباد شدیدی اتفاق می افتد و ماهی ها را با قدرت به آسمان می کشد .

و يَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَ عِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَسَاقَطُ عَلَى الْأَرْضِ : و آن ها را به مکانی دور می برد و هنگامی که سرعتش را از دست می دهد ، روی زمین می افتند .

يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهُندُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمُّوْنَهُ « مَهْرَجَانُ مَطَرِ السَّمَاءِ » : مردم در هندوراس هر سال (سالانه) این روز را جشن می گیرند و آن را « جشنواره باران ماهی » می نامند .



" الْمَعْجَم " ص ۲۶



أَثَارَ : برانگیخت	تَسَاقَطَ : پی در پی افتاد	حَتَّى تُصَدِّقَ : تا باور کنی
احتفلَ : جشن گرفت	التعرفَ عَلَى : شناختی	ظاهرة : پدیده « جمع : ظواهر »
أرسلَ : فرستاد	ثلج : برف ، یخ « جمع : ثُلُوج »	عبرَ : از راه
أصبحَ : شد	حسنًا : بسیار خوب	فيلم : فیلم « جمع : أفلام »
إعصار : گردباد « جمع : أعاصير »	حيرَ : حیران کرد	لاحظَ : ملاحظه کرد
أمريكا الوسطى : آمریکای مرکزی	سحبَ : کشید	المحيط الأطلسي : اقیانوس اطلس
أمطرَ : باران بارید	سميَ : نامید	مفروش : پوشیده
بسطَ : گستراند	سوداء : سیاه (مؤنث أسود)	مهرجان : جشنواره
بعدَ : دور شد	سنويًا : سالانه	نزول : پایین آمدن
تريَ : می بینی « أَنْ تَرَى : که ببینی »	صدقَ : باور کرد	

❖ ❖ ❖ ❖ ❖
" حول النص " ص ۲۶

❖ ❖ ❖ ❖ ❖

عَيْنَ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

(۱) يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهِنْدُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَيُسَمُّوْنَهُ « مِهْرَجَانُ الْبَحْرِ ». غلط

ترجمه: اهالی هندوراس هر ماه این روز را جشن می گیرند و آن را « جشنواره دریا » می نامند .

(۲) عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ ، تَتَساقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ . صحیح

ترجمه: وقتی که گردباد سرعتش را از دست می دهد ، ماهی ها روی زمین می افتند .

(۳) يَتَسَّ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةٍ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ. غلط

ترجمه: دانشمندان از شناخت راز آن پدیده عجیب ناامید شدند .

(۴) إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلَجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِي . صحیح

ترجمه: بارش باران و برف از آسمان امری (یک مسأله) طبیعی است .

(۵) تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ. غلط

ترجمه: این پدیده ده بار در سال اتفاق می افتد .

❖ ❖ ❖ ❖ ❖

" اَعْلَمُوا " اَلْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَجْرَدُ وَالْمَزِيدُ (۱) ص ۲۷

❖ ❖ ❖ ❖ ❖

در زبان فارسی به فعل هایی مانند «رفت» و « برگشت » ، سوم شخص مفرد می گوئیم.

فعل ها در زبان عربی براساس شکل « سوم شخص مفرد در فارسی » (مفرد مذکر غایب) به دو گروه تقسیم می شوند.

گروه اول: ثلاثی مجرد؛ یعنی فعل هایی که « ماضی مفرد مذکر غایب » آنها فقط از سه حرف اصلی تشکیل می شود . بیشتر فعل های عربی متوسطه اول این گونه بودند ؛ مانند : خَرَجَ ، عَرَفَ ، قَطَعَ و شَكَرَ.

گروه دوم: ثلاثی مزید؛ فعل هایی که « ماضی مفرد مذکر غایب » آنها علاوه بر سه حرف اصلی ، حروف زائد دارد ؛ مانند : اسْتَخْرَجَ ، اعْتَرَفَ ، انْقَطَعَ و تَشَكَّرَ ؛ این فعل ها علاوه بر اینکه تعداد حروفشان بیشتر است ، معنایشان نیز فرق دارد.

این فعل ها هشت دسته اند که به هر دسته « باب » گفته می شود.

در جدول زیر به ترتیب چهار باب ثلاثی مزید « استفعال ، افتعال ، انفعال و تَفَعَّلَ آمده است.

الْبَاب	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصَدَر
اسْتَفْعَال	اسْتَرْجَعَ : پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ : پس می گیرد	اسْتَرْجِعْ : پس بگیر	اسْتِرْجَاع : پس گرفتن
افْتِعَال	اشْتَغَلَ : کار کرد	يَشْتَغِلُ : کار می کند	اشْتَغِلْ : کار کن	اشْتَغَال : کار کردن
انْفِعَال	انْفَتَحَ : باز شد	يَنْفَتِحُ : باز می شود	انْفَتِحْ : باز شو	انْفِتَاح : باز شدن
تَفَعَّل	تَخَرَّجَ : دانش آموخته شد	يَتَخَرَّجُ : دانش آموخته می شود	تَخَرَّجْ : دانش آموخته شو	انْفِتَاح : باز شدن

" اخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۱ " ص ۲۸

❦ اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْبَابِ.

باب	ماضی	مضارع	أمر	مصدر
استغفر	استغفر : آمرزش خواست	يستغفر : آمرزش می خواهد	استغفر : آمرزش بخواه	استغفار : آمرزش خواستن
اعتذر	اعتذر : پوزش خواست	يعتذر : پوزش می خواهد	اعتذر : پوزش بخواه	اعتذار : پوزش خواستن
انقطع	انقطع : بریده شد	ينقطع : بریده می شود	انقطع : بریده شو	انقطاع : بریده شدن
تكلم	تكلم : سخن گفت	يتكلم : سخن می گوید	تكلم : سخن بگو	تكلم : سخن گفتن

" إِعْلَمُوا " الْفِعْلُ اللَّازِمُ وَ الْفِعْلُ الْمُتَعَدِّي ص ۲۹

پیش از آشنایی با فعل لازم و متعدی با مفهوم فعل ، فاعل و مفعول آشنا شوید.

فعل ، کلمه ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته ، حال یا آینده دلالت دارد.

فاعل ، انجام دهنده کار یا دارنده حالت است.

مفعول ، اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می آید و کار بر آن انجام می شود.

فعلی که معنای آن با فاعل کامل می شود و به مفعول نیاز ندارد ، فعل لازم نام دارد.

مثال : رَجَعَ جَوَادٌ : جواد برگشت.

تَجَلَّسَ سَاجِدَةٌ : ساجده می نشیند.

به فعلی که معنای آن با فاعل کامل نمی شود و به مفعول نیاز دارد ، فعل متعدی گفته می شود.

مثال : أَرْسَلَ جَوَادٌ رِسَالَةً : جواد نامه ای را فرستاد.

يَقْطَعُ النَّجَّارُ الْخَشَبَ : نجّار چوب را می بُرد.

*** **

" اخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۲ " ص ۲۹

*** **

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ وَ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّيَّ.

۱- ﴿ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ... ﴾ یوسف : ۴

ترجمه : قطعاً من [در خواب] یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم ، آنها را در حال سجده بر خود دیدم .

پاسخ : رَأَيْتُ = فعل متعدی

۲- ذَهَبَتْ طَالِبَةٌ لِإِطْفَاءِ الْمَكِيفَاتِ .

ترجمه : دانش آموز برای خاموش کردن کولرها رفت .

پاسخ : ذَهَبَتْ = فعل لازم

۳- زَانَ اللَّهُ السَّمَاءَ بِأَنْجُمٍ كَالدَّرَرِ .

ترجمه : خدا آسمان را با ستاره هایی مانند مروارید ها زینت داد (آراست)

پاسخ : زَانَ = فعل متعدی

۴- تَنْمُو الشَّجَرَةُ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ .

ترجمه : درخت از دانه ای کوچک رشد می کند .

پاسخ : تَنْمُو = فعل لازم

۵- اشْتَرَى وَالِدٌ حَامِدٌ حَاسِبًا لَهُ .

ترجمه : پدر حامد رایانه ای برایش خرید .

پاسخ : اشْتَرَى = فعل متعدی

*** **

" حَوَارٌ " ص ۳۰

*** **

فِي قِسْمِ الْجَوَازَاتِ
در قسمت گذرنامه

شُرْطِي إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ : پلیس اداره گذرنامه	الْمَسَافِرُ الْإِيرَانِيَّ : مسافر ایرانی
أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ . مِنْ أَيْ بَلَدٍ أَنْتُمْ ؟ خوش آمدید . شما از کدام کشور هستید؟	نَحْنُ مِنْ إِيْرَانٍ وَ مِنْ مَدِينَةِ زَابِلٍ : ما ایرانی هستیم ، و از شهر زابلیم .
مَرْحَبًا بِكُمْ . شَرَفْتُمُونَا : خوش آمدید . مشرف فرمودید (به ما افتخار دادید)	أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي : متشکرم آقا
مَا شَاءَ اللَّهُ ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا ! ماشا الله ! عربی خوب صحبت می کنی !	أَحَبُّ هَذِهِ اللُّغَةِ . الْعَرَبِيَّةُ جَمِيلَةٌ : این زبان را دوست دارم . عربی زیباست .
كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ ؟ تعداد همراهان چند نفرند؟	سِتَّةٌ : وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ : شش نفر : پدر و مادرم و دو خواهرم و دو برادرم .
أَهْلًا بِالضُّيُوفِ . هَلْ عِنْدَكُمْ بِطَاقَاتُ الدُّخُولِ ؟ مهمانان خوش آمدید (آمدند) . آیا کارت های ورود دارید؟ (همراهتان هست)	نَعَمْ ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مَنَا بِطَاقَتُهُ بِيَدِهِ : بله ؛ هریک از ما کارتش در دستش است .
الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْيَسَارِ لِلتَّفْتِيشِ : مردان در سمت راست و زنان در سمت چپ جهت بازرسی	عَلَى عَيْنِي : چشم (به روی چشم)
رَجَاءٌ ؛ اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ : لطفاً ، گذرنامه هایتان را در دستانتان قرار دهید . (دستتان بگیرید)	نَحْنُ جَاهِزُونَ : ما آماده ایم .



جَوَازُ : گذرنامه مَرْحَبًا بِكُمْ : خوش آمدید شَرَفْتُمْ : مشرف فرمودید مُرَافِقٌ : همراه
وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ : پدر و مادرم ، دو خواهرم و دو برادرم بِطَاقَةٌ : بلیت تَفْتِيشٌ : بازرسی جَاهِزٌ : آماده



" التمارين ۱ " ص ۳۱



۱- التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ : عَيْنَ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ . ۷ ×

۱- اَلْمِهْرَجَانُ احْتِفَالٌ مُنَاسِبَةٌ جَمِيلَةٌ ، كَمِهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مِهْرَجَانِ الْأَفْلَامِ . صحیح

ترجمه : جشنواره (فستیوال) ، جشنی به خاطر (برای) مناسبتی زیباست ، مثل جشنواره گلها و جشنواره فیلم ها .

۲- اَلثَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطْ . غلط

ترجمه : برف ، نوعی از انواع باریدن آب از آسمان است که فقط روی کوه ها می ریزد (پایین می آید) .

۳- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ بِالنُّورِزِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الْهَجْرِيَّةِ الشَّمْسِيَّةِ . صحیح

ترجمه : ایرانی ها در اولین روز از روزهای سال هجری شمسی نوروز را جشن می گیرند .

۴- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ . صحیح

ترجمه : ماهی ها در رودخانه و دریا زندگی می کنند و انواع مختلفی دارند .

۵- **الْإِعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ. غلط**

ترجمه : گردباد باد شدیدی است که از مکانی به مکان دیگر حرکت نمی کند (منتقل نمی شود)

*** **

" التمارین ۲ " ص ۳۱

*** **

الَّتَمَرَيْنِ الثَّانِي : ضَعُ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ . « كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ »

۱- **مَكَيَّفُ الْهَوَاءِ** = جِهَازٌ لِلْخَلَاصِ مِنْ حَرَارَةِ الصَّيْفِ.

ترجمه : کولر : دستگاهی برای نجات از گرمای تابستان است .

۲- **الْمُشْمِشُ** = فَاكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً وَ غَيْرَ مُجَفَّفَةٍ ..

ترجمه : زردآلو : میوه ای است که مردم آنرا خشک شده و خشک نشده می خورند .

۳- **الْمُعْلَقُ** = مَا لَيْسَ مَفْتُوحًا ؛ بَلْ مَسْدُودًا.

ترجمه : بسته : آنچه که باز نیست بلکه بسته شده است .

۴- **الْخَضِرَةُ** : سَرَسَبْز = اضافی است

۵- **الْصَّفِّ** = يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَابُ.

ترجمه : کلاس : دانش آموزان در آن درس می خوانند .

*** **

" التمارین ۳ " ص ۳۱

*** **

الَّتَمَرَيْنِ الثَّالِثُ : عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ. #

أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَةَ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / حُجْرَةَ / مِهْرَجَانَ / نُزُولَ / عُرْفَةَ

أَنْزَلَ # رَفَعَ (پایین آورد # بالا برد) أَصْبَحَ = صَارَ (شد = گردید) حَفَلَةَ = مِهْرَجَان (جشن = جشنواره)

صُعُودَ # نُزُولَ (بالا رفتن # پایین آمدن) حُجْرَةَ = عُرْفَةَ (حجره = اتاق)

" التمارین ۴ " ص ۳۲

الْتَمَرِینُ الرَّابِعُ : تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِیَةَ ، وَ عَیِّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّیَّ .

۱- النَّاسُ نِیَامٌ ؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا . رَسُولُ اللَّهِ (ص) **نیام** : خفتگان **انتَبَهوا** : بیدار شدند (بیدار شوند)

ترجمه : مردم (خفتگانند) خواب هستند ؛ وقتی که بمیرند بیدار می شوند .

پاسخ : فعل متعدی ندارد .

۲- شَاهَدَ النَّاسُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ .

ترجمه : مردم افتادن ماهی ها را از آسمان دیدند .

پاسخ : شاهدَ = فعل متعدی

۳- یَزْرَعُ الْجَاهِلُ الْعُدَوَانَ فَيَحْصُدُ الْخُسْرَانَ .

ترجمه : نادان دشمنی می کارد و ضرر و زیان درو می کند .

پاسخ : یَزْرَعُ و یَحْصُدُ = فعل متعدی

۴- ذَهَبَتْ سُمَیَّةٌ إِلَى مُدِیرَةِ الْمَدْرَسَةِ .

ترجمه : سمیه نزد مدیر مدرسه رفت .

پاسخ : فعل متعدی ندارد .

۵- یَرْجِعُ الطَّلَابُ مِنَ السَّفَرَةِ الْعِلْمِیَّةِ .

ترجمه : دانشجویان از گردش علمی باز می گردند .

پاسخ : فعل متعدی ندارد .

" التمارین ۵ " ص ۳۳

الْتَمَرِینُ الْخَامِسُ : تَرْجِمِ الْآیَاتِ التَّالِیَةَ .

﴿ رَجَعُوا إِلَيْهِمْ ﴾	﴿ يَعْرِفُونَهُمْ ﴾	﴿ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا ﴾
نزد آنها بازگشتند	آنها را می شناسند	کسانی که ستم کردند ، خواهند دانست

﴿ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴾	﴿ وَ لَا تَيْأَسُوا ﴾	﴿ يَقُولُونَ سَمِعْنَا ﴾
می دانم آنچه را شما نمی دانید	و ناامید نشوید	می گویند : شنیدیم
﴿ أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴾	﴿ اسْتَخْرَجَهَا ﴾	﴿ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ ﴾
بیشتر آنها شکرگزاری نمی کنند	آنها بیرون کشید	نزد پروردگارت بازگرد
﴿ ظَلَمْتُ نَفْسِي ﴾	﴿ نَجْعَلُكُمْ أُمَمَةً ﴾	﴿ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ ﴾
به خودم ظلم کردم	آنها را پیشوایان قرار می دهیم	قادر به چیزی نیست (نمی باشد)
﴿ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ ﴾	﴿ اغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ ﴾	﴿ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ﴾
داخل بهشت شوید	صورت هایتان را بشوید	ما را بیامرز و بر ما رحم کن
﴿ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا ﴾	﴿ وَ أَتْرَكَ الْبَحْرَ ﴾	﴿ يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ ﴾
گفت از آن (آنجا) خارج شو	دریا را ترک کن	در زمین جستجو می کند

" الْبَحْثُ الْعِلْمِي " ص ۳۴

ابْحَثْ عَنْ قِصَّةِ قَصِيرَةَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ وَ تَرْجِمَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ فَارِسِيٍّ.
ترجمه : از داستانی کوتاه به زبان عربی در اینترنت یا یک مجله یا یک کتاب جستجو کن و آنرا با کمک واژه نامه عربی به فارسی ، به فارسی ترجمه کن .